

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
۱۳-۸	فهرست مطالب
۱۷-۱۴	مقدمه
۳۳-۱۸	باب اول : مبانی و مفاهیم فن لغز و معما
۲۶-۱۹	فصل اول : تعریف لغز
۲۱-۱۹	الف (مفهوم لغوی و اصطلاحی لغز
۳۱-۲۱	ب (سایر نامهای لغز
۲۴-۲۱	- نام های فصیح لغز
۲۶-۲۵	- نامهای عامیانه لغز
۳۱-۲۶	- مشتقات فن لغز
۳۲-۳۱	ج) مهمترین اصطلاحات و قواعد فن لغز
۳۳	د (فواید لغز ها
۳۵-۳۴	فصل دوم : تعریف معما
۳۵-۳۴	الف (مفهوم لغوی و اصطلاحی معما

صفحه	موضوع
۳۵	ب) واضع و تدوین کننده معما
۳۶-۳۵	ج) تفاوت میان لغز و معما
۳۷-۳۶	د) سایر نامهای تعمیمه
۳۸-۳۷	ه) برخی از اصطلاحات علم تعمیمه
۴۱-۳۹	و) شیوه های استخراج معما
۴۱	ز) اقلام تعمیمه
۴۲	ح) دوران طلایی علم تعمیمه در ادبیات عرب
۴۲	ط) تعمیمه و ارتباط آن با علوم زبانی
۴۲	ی) تعمیمه و ارتباطش با ریاضیات
۴۴-۴۲	ک) تعمیمه و ارتباط آن با علوم اداری
۵۳-۴۵	فصل سوم: پیشینه تاریخی لغزها و معماها
۴۸-۴۵	الف) لغزها و معماها در ابتدایی ترین تمدن ها
۵۰-۴۹	ب) نقش تصحیف در تولد فن معما
۵۲-۵۱	ج) لغزها در حکایات عربی
۵۳-۵۲	د) لغز و اسطوره
۸۵-۵۴	باب دوم: سیر تطور لغز و معما در تاریخ ادبیات عرب
۶۶-۵۵	فصل اول: لغز و معما در ادب دوره جاهلی تا پایان عصر عباسی
۶۰-۵۵	الف) لغز و معما در دوره جاهلی
۶۲-۶۰	ب) لغزها و معماها در دوره اسلامی

۶۲-۶۶	ج) لغز و معما در دوره عباسی (۱۳۲-۶۵۶)
۶۷-۷۳	فصل دوم: لغز و معما در ادب اندلس و عهد مماليك و عثمانیان
۶۷-۶۹	الف) لغز و معما در ادب اندلس
۶۹-۷۱	- مطیرات
۷۱-۷۲	- برخی از تالیفات مستقل در فن لغزها در اندلس
۷۲-۷۳	- لغزهای تعلیمی در اندلس
۷۳-۷۶	ب) لغزها و معماها در دوره مماليك و عثمانیان (۶۴۸-۱۳۲۶)
۷۶-۷۹	ج) تحلیل رساله (مفتاح الكنوز فی ایضاح المرموز) ابن دریهم
۷۷-۷۹	- بخش های رساله
۷۹	- ویژگی های رساله ابن دریهم
۸۰-۸۵	فصل سوم: لغزها و معماها در دوره معاصر
۸۱	الف) مشهورترین مؤلفان لغز در قرن ۱۹ و ۲۰
۸۱-۸۳	ب) تاریخچه کلمات متقاطع
۸۳-۸۵	ج) جدیدترین دستاوردهای علمی - پژوهشی اعراب در فن لغز و معما
۸۶-۱۱۰	باب سوم: انواع لغز و معما در ادب عربی
۸۷-۹۲	فصل اول: آراء مختلف پیرامون اقسام لغز و معما
۸۷-۸۹	الف) اقسام لغز از دیدگاه سیوطی
۸۹-۹۰	ب) لغزهای لفظی و معنوی
۹۰	ج) لغزهای شعری و نثری
۹۱	د) لغزهای عامیانه و خاص

صفحه	موضوع
۹۲	ه (لغز های مفید و لغز های بی ارزش
۱۰۲-۹۳	فصل دوم : انواع لغز ها از حیث موضوع
۹۶-۹۳	الف (لغز های نحوی
۹۸-۹۶	ب) لغز های لغوی
۹۹-۹۸	ج) لغز های فقهی
۱۰۰-۹۹	د) لغز های حکمی
۱۰۰	ه (لغز های حسابی
۱۰۱	و) لغز های عروضی
۱۰۱	ز) لغز های نقدی
۱۰۲-۱۰۱	ح) لغز های شغلی
۱۱۰-۱۰۲	فصل سوم : مشهور ترین انواع معما از لحاظ ساختار
۱۰۳-۱۰۲	الف : نظام در سعی
۱۰۲	- در سعی صغیر
۱۰۲	-در سعی کبیر
۱۰۳	ب) نظام ریحانی
۱۰۳	ج) نظام ایبلا
۱۰۹-۱۰۳	د) نظام ابجدی (حساب جمل)
۱۰۴	- اصول و قواعد این فن
۱۰۶-۱۰۵	- تاریخچه حساب جمل
۱۰۷-۱۰۶	- اقسام نظام ابجدی

صفحه	موضوع
۱۰۷	- انواع روشهای محاسباتی در نظام ابجد
۱۰۹-۱۰۷	- موارد استعمال حروف ابجد
۱۱۰-۱۰۹	ه) حساب ریم
۱۱۰	و) رمز درختی
۱۳۷-۱۱۱	باب چهارم: بررسی لغز و معما در ادب فارسی و عربی
۱۲۰-۱۱۲	فصل اول: چیستان ها در زبان پارسی پیش از اسلام
۱۱۲	الف) چیستان چیست؟
۱۱۴-۱۱۳	ب) ریشه واژگانی کلمه چیستان
۱۱۵-۱۱۴	ج) پیشینه چیستان گویی در فرهنگ فارسی
۱۱۶-۱۱۵	د) پند نامه های لغز گونه در ادب فارسی و عربی
۱۲۰-۱۱۶	ه) شواهد قدیمی لغز ها در ادبیات فارسی
۱۳۰-۱۲۱	فصل دوم: تطور چیستان ها پس از ورود اسلام به ایران
۱۲۳-۱۲۲	الف) عوامل رونق فن لغز ها از قرن ۵ق / ۱۱م
۱۲۵-۱۲۴	ب) لغز ها در شعر شاعران سبک خراسانی
۱۲۷-۱۲۶	ج) لغز ها در شعر شاعران سبک عراقی
۱۲۸-۱۲۷	د) لغز در شعر شاعران سبک هندی
۱۲۹-۱۲۸	ه) جایگاه لغز ها در دوره بازگشت ادب فارسی
۱۳۰-۱۲۹	و) لغز ها در فن مقامات
۱۳۷-۱۳۱	فصل سوم: معما در ادبیات فارسی

صفحه	موضوع
۱۳۱-۱۳۲	الف (نخستین نشانه های فن معما در ادب فارسی
۱۳۲-۱۳۳	ب) رواج فن معما گویی در عهد تیموری
۱۳۳-۱۳۴	ج) فن معما سازی در عهد صفویان
۱۳۴-۱۳۵	د) فن معما سازی پس از عهد صفویان
۱۳۵-۱۳۷	ه) فن ماده تاریخ سازی در ادبیات فارسی
۱۳۸-۱۴۴	ضمیمه : گونه های ملحق به فن لغز و معما
۱۴۰	الف (رموز سیاسی
۱۴۰-۱۴۱	ب (لغز های اشاره
۱۴۱-۱۴۲	ج) داستان های پلیسی
۱۴۳	د (معما ها در عرصه نظامی - امنیتی
۱۴۳	ه (معما ها در حوزه صنعتی - تجاری
۱۴۳-۱۴۴	و) لوتراها (زبان زرگری)
۱۴۵-۱۴۷	خاتمه
۱۴۸-۱۶۰	منابع و مأخذ

مقدمه

از زمان شکل گیری تمدن بشری، انسان ها همواره در تلاش بوده اند تا با شیوه های مختلف و اهداف گوناگون اموری را از دیگران مخفی نگه دارند؛ در این میان لغز ها و معما ها از کهنترین و مطلوب ترین این روشها به شمار می آیند که بارعظیمی از سنت ها ، آداب و رسوم ، تاریخ ، بینش و منش یک ملت را بر دوش می کشند.

در این گونه های بدیع ادبی ، گوینده به عمد کلامش را به صورت مبهم بیان می کند تا ذهن مخاطب پس از تعمق و کنکاش پیرامون معانی و مفاهیم مختلف و احیانا متناقض پس از برقراری یک ارتباط منطقی میان داده ها ، سر انجام بعد از گشودن راز آنها به لذت ذهنی نایل آید.

به گواهی اسناد تاریخی ، اعراب از نخستین اقوامی بوده اند که از دیر باز با فن لغز و معما آشنا بوده و آن را استعمال می کرده اند.

جلوه های بارز لغز ها و معماها که یکی از ثمر بخش ترین جنبه های ادبیات عرب محسوب می شوند گاه چنان جذاب و دل انگیز می نمایند که میتوانند تاثیر عمده ای را در فرهنگ عمومی و ملی و حتی جهانی داشته باشند.

رساله حاضر کوششی است در جهت آشنایی خوانندگان با اصول و مبانی فن لغز و معما و سیر تطور آنها در تاریخ ادبیات عرب و تبیین انواع مختلف آن .

آنچه که ضرورت چنین پژوهشی را ایجاب می کرد آن بود که این موضوع با توجه به نمود بارز آن در ادبیات عرب ، آنچنان که شایسته و در خور آن بوده مورد پژوهش و بررسی واقع نشده است.

در عرصه ادبیات عرب، کتابهایی همچون «المثل السائر» ابن اثیر، «تسهیل المجاز» طاهر بن صالح الجزایری، «الالغاز» حریری، «المزهر» و «الاشباه و النظائر» سیوطی، از جمله عمده ترین و مهم ترین منابعی هستند که به این دو فن پرداخته اند؛ اما هر یک از آن ها از جنبه خاصی آنها را بررسی کرده اند و در واقع، در این زمینه به صورت گزینشی عمل کرده اند.

آنچه که این رساله را از سایر آثار پدید آمده در این عرصه متمایز می سازد، نگاه دقیق و همه جانبه آن به فن لغز و معما در ادبیات عرب است و تلاش شده تا باب ها و فصول آن به گونه ای تنظیم گردد که درک و فهم مطالب برای خواننده تسهیل شود.

در این پژوهش از دو روش استفاده شده است: نخست؛ روش تاریخی که اساس آن بررسی فن لغز و معما و شواهد آن در برهه های مختلف ادبیات عرب است؛ دوم: روش وصفی که از خلال آن به تعریف و توصیف جایگاه فن لغز و معما در ادبیات عرب و وجوه تمایز و اشتراک این دو فن و فنون مشابه لغز، پرداخته شده است.

هدف از نگارش چنین رساله ای یافتن پاسخ های منطقی برای این پرسش ها بوده است:

- ۱- وجوه تمایز و تشابه لغز ها و معما ها کدامند؟
- ۲- این دو فن در نزد اعراب از چه منزلتی برخوردار بوده اند؟
- ۳- لغز ها و معما ها در ادبیات عرب، اغلب در چه مواردی استعمال می شده اند؟
- ۴- فن لغز و معما دارای چه آثار و فوایدی در ادبیات عرب بوده اند و چه عواملی ضرورت حفظ و صیانت از آنها را واجب می گرداند؟
- ۵- با توجه به پیوند عمیق و کهن زبان فارسی با ادبیات عربی، لغز ها و معماها در عرصه ادبیات فارسی در چه مواردی از لغز ها و معماهای عربی تاثیر پذیرفته و در چه مواضعی بر آن تاثیر گذاشته اند؟

پیش از آغاز نگارش این رساله، مسیر این پژوهش را سهل و هموار می پنداشتم؛ اما با شروع کار و گسترش مطالعاتم، منابع این پژوهش را بسیار گسترده و پراکنده یافتم و خود را در برابر این دریا عظیم معلومات متحیر دیدم؛ به خصوص زمانی که برای دستیابی به منابع ناچار بودم تا به کتابخانه

های متعدد و بعضاً دور دستی همچون ، کتابخانه آستان قدس ، کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد ، کتابخانه ملی تهران سر بزنم و در برخی از موارد موفق به یافتن منبع مورد نظر نمی شدم بر عمق اضطراب و سردر گمی ام افزوده می شد.

در این میان تنها امید به حضرت باری تعالی و استمداد از اساتید فرهیخته و بزرگوارم ، سرکار خانم دکتر مرضیه آباد و جناب آقای دکتر علی نوروزی ، تنها بارقه های امیدی بودند که مرا به ادامه پیمودن این مسیر دشوار دلگرم می ساختند.

رساله حاضر در ۴ باب تنظیم شده است ؛ که هر باب دارای سه فصل می باشد :

در باب اول به مبانی اساسی فن لغز و معما اشاره شده و این دو فن از یکدیگر تفکیک شده اند و ویژگی های هر یک مورد بررسی قرار گرفته است ؛ همچنین فنونی مانند تعریض ، توریه ، کنایه که از فن لغزها مشتق شده اند بررسی شده و وجوه تمایز آنها با فن لغزها تبیین شده است. درباب دوم به سیر تطور لغزها و معماها در تاریخ ادبیات عرب پرداخته شده و سعی شده تا با یک روال ملایم و منطقی ، چگونگی تحول و پیشرفت این دو صنعت ، از عصر جاهلی تا روزگار کنونی توصیف شود. مطلبی که در این باب بیش از هر چیز حایز اهمیت می باشد ، نقش بارز اسلام در رشد و پیشرفت فن معما است ؛ این فن در عهد عباسیان به اوج شکوفایی خود می رسد و به عنوان علمی مستقل دارای اصول و قوانین خاص می گردد.

باب سوم به انواع لغزها و معماها در ادبیات عرب اختصاص یافته ؛ و در فصل اول آن دیدگاههای عالمان بزرگی چون سیوطی ، ابن اثیر ، جراحی در مورد تقسیم بندی لغزها ذکر شده ؛ در فصل دوم نیز به مشهورترین انواع معما از حیث ساختار اشاره شده ؛ که شامل نظام های درسی ، ریحانی ، ابجدی ، ایلا ، ریم و درختی می باشد.

در باب چهارم که آخرین باب این رساله است ، فن لغز و معما در دوره های مختلف ادبیات فارسی با عصور مقارن آن در ادبیات عربی مقایسه شده و وجوه تشابه و تمایز آن مشخص شده است. نکته مهمی که در این باب ذکر شده ، آن است که ایرانیان با وجود آنکه اصول و مبادی علم معما را از اعراب فراگرفته بودند ؛ اما طولی نکشید که ایرانیان توانستند با هوشمندی و هنر نمایی تمام ، دست به ابتکار در این زمینه زده و جامه ای نو بر قامت این فن بپوشانند.

در پایان ، از مساعدت های بی دریغ اساتید گرانقدرم ، سرکار خانم دکتر مرضیه آباد (استاد راهنما) و جناب آقای دکتر علی نوروزی (استاد مشاور) ، کمال تقدیر و تشکر را دارم ؛ همچنین از تمام افرادی که به نوعی - مستقیم یا غیر مستقیم - مرا در این راه یاری نموده اند ، سپاسگزاری کرده و سعادت و بهروزی آنان را از در گاه باری تعالی مسئلت می کنم.

باب اول :

مبانی و مفاهیم فن لغز و معما

فصل اول: تعریف لغز

الف) مفهوم لغوی و اصطلاحی لغز (Riddle)

در (المخصص) آمده است :

((الغزت الکلام و الغزت فیه؛ به معنی کلام را پوشیده نگه داشتیم و آن را بر خلاف آنچه که در
ظاهرش است، در نیت گرفتیم؛ لفظ آن (أَلْغَز) و (أَلْغَز) است و جمع آن أَلْغَاز می باشد.)) (ابن سیده
، ۱۳۹۸ق: ۴/۲۷)

در (وفیات الاعیان) لفظ (لغز) به هشت گونه آمده است که آنها عبارتند از: (أَلْغَز) (أَلْغَز) (لُغَز) (لغز)
(لغز) (لُغَیْزِ) (أَلْغِیَاء) (أَلْغُوزَه). (ابن خلکان، ۱۹۶۸م : ۶/۲۵۶)

علما در خصوص فن لغز تعاریف بسیاری را ارائه داده اند. در معنای لغوی گفته شده است: ((لغز
حفره در پیچی است که مارمولک و سوسمار و موش صحرایی آن را پدید می آورند. این حیوانات
سوراخ لانه شان را به طور مستقیم و به سمت پایین حفر کرده و راههایی در آن بوجود می آورند و
به همین ترتیب در سه جهت دیگر لانه نیز تونل های مشابهی حفر می کنند. هرگاه فرد بادیه نشینی
عصایش را از یک سو وارد لانه کند آن حیوان از سوی دیگر می گریزد. سپس این لفظ را برای
مسائل حیرت انگیز به استعاره گرفته اند و گویا سردرگمی مخاطب در برابر اوصاف مختلف به
حیرت فرد بادیه نشین در برابر این حفره ها می ماند که نمی داند از کدام روش برای دستیابی به

هدفش بهره ببرد. سپس این لفظ را برای مسائل حیرت انگیز به استعاره گرفته اند و گویا سردرگمی مخاطب در برابر اوصاف مختلف به حیرت فرد بادیه نشین در برابر این حفره ها می ماند که نمی داند از کدام روش برای دستیابی به هدفش بهره ببرد.)) (حریری ، ۱۹۸۸ م : ۵-۶)

حریری موجزترین تعریف را از لغز ارائه می دهد و می گوید: ((فن سوال حیرت برانگیز و جواب معین است)). (حریری ، ۱۹۸۸ م : ۶)

تعریف لغز در (کشف الظنون) به این صورت درآمده است: ((علمی است که در آن دلالت الفاظ بر معنی مقصود به غایت پنهان باشد؛ اما به گونه ای که ذهن های سلیم از آن رنجیده نشوند و بدان تمایل یابند.)) وی همچنین لغزها را از فروع علم بیان ذکر کرده - زیرا مقصود از علم بیان وضوح دلالت است - و غرض از آن را امتحان ذهنی و نادره گویی در محافل می داند و معتقد است که اصول و مبادی این علم از کلام لغزپردازان و اصحاب معما گرفته شده است. (حاجی خلیفه ، دون تاریخ : ۱۴۹/۱)

شاید بهترین و جامع ترین تعریفی که از لغز ارائه شده ، سخن (شمس قیس رازی) در کتاب (المعجم) باشد که می گوید: (لغز آن است که معنایی از معانی در کسوت عبارتی مشکل و متشابه را به طریق سوال پرسند و از این جهت آن را در خراسان (چیست آن) خوانند و این صنعت چون عذب و مطبوع افتد و اوصاف آن از روی معنی با مقصود مناسبتی دارد و به حشوالفاظ دراز نگردد و از تشبیهات کاذب و استعارات بعید دور بود پسندیده باشد و تشحیذ خاطر را بشاید)). (رازی، ۱۳۳۸ : ۴۱۹ - ۴۲۳)

در این تعریف، شمس قیس رازی برای فن لغز شروطی را قائل شده است که عبارتند از:

۱. تشابه و اشتراک لفظی در مورد معانی مختلف؛ به گونه ای که معنای مقصود جز با دقت و تامل فراوان حاصل نگردد.
۲. جنبه پرسشی بودن لغز؛ یعنی اینکه در آغاز لغز کلمه یا کلماتی دال بر سوالی بودن آن بیاورند.
۳. اجتناب از طولانی کردن لغز؛ به عبارت دیگر لغز باید دارای الفاظی کوتاه و معانی ژرف باشد.
۴. استعارات و تشبیهات موجود در لغز نمی باید دور از ذهن باشند.

با همه این اوصاف ، آنچه که در مورد فن لغزها همه علما بر آن اتفاق نظر دارند، غموض و ابهامی است که با تامل و باریک اندیشی مرتفع می گردد.

ب) سایر نامهای لغز

لغز دارای مترادفات بسیاری است که برخی از این لغت ها فصیح و برخی دیگر عامیانه و محلی هستند. در این قسمت به ذکر این نامها می پردازیم:

- نام های فصیح لغز

نامهای فصیح لغز عبارتند از:

الف) ادعیه: که جمع آن (اداعی) است و (مداعاه) به معنی لغز گفتن می باشد. (معلوف، ۱۳۸۳ ش: ۲۱۶)

جوهری در (صحاح) در مورد (شمشیر) سروده است:

أدعیک ما مستحقیبات مع السری حسان و ماآثارهن حسان (سیوطی، ۱۹۸۷ م: ۸۰/۱)

ب) ءالقیه: که از واژه (لقی) گرفته شده است و به معنی آنچه که به قصد آزمایش هوش مخاطب بر او مطرح می شود ، آمده است. (معلوف، ۱۳۸۳ ش: ۷۳۱)

ج) احاجی: که مفرد آن (أحجیه) است و برگرفته از (حجی) به معنی عقل، هوش، خرد، قوه درک می باشد؛ علمی است که در آن درباره کلمات مترادف و متضاد در زبان عربی و اشتقاق لغوی آنها با اسلوبی زیبا بحث می شود. (الحوارانی ۱۸۸۲/۳)

برخی مخترع این اسم را حریری می دانند که برای اولین بار نام احجیه را در مقاماتشان به کار برده و در مقامه ۳۶ خودش ۲۰ احجیه را به نظم درآورده است ؛ از جمله احاجی حریری این ابیات است :

یا ذالذی فاق فضلا	و لم یدنسه شین
ما مثل قول المحاجی	ظهر اصابته عین

نوعی از احاجی به نام (اجازه) معروفند که در این روش شاعر یک مصراع یا یک کلمه را می گوید و از مخاطب می خواهد که آن را تکمیل کند.

در عهد جاهلی اینگونه از محاجات رواج داشت و بر مبنای آشنایی افراد با سخنان حکمت آمیز بود. از نمونه های این نوع محاجات در عهد جاهلی ، روایت ابن نباته در «سرح العیون» در شرح حال یمامه دختر خس است که با مردی به محاجات می پردازد و مرد به او می گوید:

(کاد) و او جواب می دهد: (کادالعروس یکون امیرا)

دوباره آن مرد می پرسد: (کاد) و او جواب می دهد : (کاد المتعل یکون راکبا) ... (ابن قتیبه، ۱۹۸۵م: ۲/۲۳۳) صفدی نیز در (الوافی بالوفیات) روایت می کند: (ملک کامل شبی در محفل نشسته بود که مظفر اعمی بر او وارد شد و ملک به مظفر گفت: قد بلغ الشوق منتهاه

مظفر جواب داد: و مادری العاذلون ماهو (الصفدی ، ۱۳۹۴ق: ۱/۱۹۶)

قسمی از احاجی وجود دارند که شامل ابیاتی هستند که قافیه های آنها حسی است ؛ یعنی با حرکات اعضای بدن بیان می شوند و مخاطب می بایست با توجه به آنها به کلمه مقصود پی ببرد؛ همانند این ابیات از ابونواس که قافیه هایش نوشته نمی شود:

و لقد للملیحه قولی من بعید لمن یحبک (قبله)

فاشارت بمعصم ثم قالت من یعید خلاف قولی (رفض)

فتنفست ساعه ثم انی قلت للبلغل عند ذلک (امش)

(شمسی پاشا، ۱۴۱۷ ق: ۷۹۹)

نوع دیگری از احاجی به نام (مشاعره) معروفند و روش آن به این صورت است که هر یک از افراد بیت شعری را بگویند که حرف نخست آن، حرف آخر بیت قبلی باشد. (همان : ۸۰۰)

د) عویص: این لفظ به معنی سخن دشوار و پیچیده است. (مسعود، ۱۳۸۳ ش: ۲/۱۲۳۰)

ه) مرموس: از ریشه (رمس) به معنی قبر گرفته شده است و گویا خفای معنای مقصود به چیز مدفون و پنهان در خاک مانند شده است. (معلوف، ۱۳۸۳ ش: ۲۷۹)

(و) معایه: این واژه از ریشه ی (عی) گرفته شده و به معنی سخن نامفهوم می باشد. (مسعود، ۱۳۸۳ش: ۱۲۳۰/۲)

نمونه آن این بیت از حریری است :

میم موسی من نون نصر ففسر أیهدا الادیب ماذا عنیت؟ (صفدی، ۱۹۶۲م: ۲۰۵/۷)

در این بیت مقصود از (میم) آن است که موسی به بیماری (موم) یا برسام دچار شد و مقصود از (نون) ماهی است و معنی بیت چنین می شود: (موسی از ماهی نصر خورد و دچار بیماری برسام شد.)
(ز) لحن: به معنای تعریض به چیزی بدون تصریح آن آمده است و (ملاحنه) به معنی بررسی هوشمندی مخاطب است. (معلوف، ۱۳۸۳ ش: ۷۱۷)

عالم لغت دان، ابوبکر بن درید (متوفی به سال ۳۲۱ هـ) کتابی به نام (الملاحن) دارد و در ابتدای کتابش به تعریف (لحن) می پردازد و می گوید: ((اصل لحن آن است که چیزی را اراده کنی و سپس آن را با سخن دیگری مخفی نگهداری.)) او بیان می کند که کلمه (لحن) در نزد اعراب به معنی فراست و هوشمندی است؛ و سخن پیامبر اکرم (ص) از آن جمله است: لعل احدکم الحن بحجته من بعض؛ یعنی آگاه تر و هوشیارتر. (ابن درید، ۱۹۸۷م: ۱)

او در این باب نمونه های فراوانی را در کتابش آورده است؛ به عنوان مثال می گوید: ((والله ما رایت فلانا قط و لاکلمته؛ در این عبارت (مارایته) به معنی آن است که به ریه او ضربه نزد و منظور از (ما کلمته) یعنی او را مجروح ساختم.)) (سیوطی، ۱۹۸۷ م: ۵۶۷/۱)

با توجه به دلالت کلمه (لحن) بر فراست و دانایی؛ مالک بن اسماء کنیزش را چنین وصف میکند:

منطق صائب و تلحن احیانا و خیر الحدیث ماکان لحنا

یعنی: او دارای گفتاری صواب است و گاهی سخنان هوشمندانه بر زبان می راند و بهترین سخن، کلام خردمندانه است.

لحن قول بر دو گونه است؛

نخست: لحن حرفی^۱ که (کمال الدین عبدالرحیم بن علی بن شیث) آن را استعمال کرده است؛

دوم: لحن کتابی^۲ که (سلیمان کلاعی) در کتاب (أحكام صنعہ الکلام) از آن بهره برده است. (ابن وهب، ن.خ. شماره ۹۷: اب ۲ - الف)

(مصطفی صادق الرافی)، لحن را به نوشته مخفیانه یا رمزی که در نزد اروپاییان معروف است تشبیه می کند و تفاوت میان کار غربی ها و عربها را در این می داند که اعراب آن را جز در سخن و اشاره نشناخته بودند و درباره آن جز با آنچه که از رمز گرفته می شد سخن نمی گفتند و آنچه که آنان را بر این کار یاری می کرد آن بود که زبان عربی دارای الفاظی است که احتمال دلالت بر دو یا چند معنا را دارد. (الشکعه: ۱۹۷۸م: ۵۴)

(ح) اشاره: ایراد سخنی است که به معنای مقصود اشاره می کند؛ مانند حکایت تاجر ثروتمندی که از قضای روزگار دچار فقر شد و ناچار گشت که برده اش به نام «بیلک» را بفروشد. پس از چندی بیلک، خزانه دار مصر شد. تاجر به محض اینکه از این موضوع اطلاع یافت، نامه ای به این مضمون به او نوشت:

کنا جمیعین فی بوس نکابده والقلب و الطرف کل فی اذی و قذی

والآن اقبلت الدنیا علیک بما تهوی خلا متنی ان الکرام إذا

که مصراع آخر اشاره به این بیت صولی دارد:

ان الکرام إذا ما اسهلوا ذکروا من کان یالفهم فی منزل خشن (شمسی پاشا، ۱۴۱۷ق: ۷۷۷-۷۷۸)

معنی: کریمان هنگامیکه به رفاه و آسایش دست یابند، افرادی که در منزل عسرت هم نشین آنان بودند را به یاد آورند.

^۱ لحن قول حرفی آن است که در محاوره به کار می رود و به صورت شفاهی است.

- نام های عامیانه لغز

الف) حزوره (حزازیر): از ریشه ی (حزر) گرفته شده است و در لغت به معنای تپه کوچکی است که پشت آن دیده نمی شود و در اصطلاح به معنی برآورد کردن و تخمین زدن است. این نام در عراق و لبنان رواج دارد.

ب) معمایه: اصطلاحی رایج در اردن است.

ج) زعل (جفل): که در صعید مصر رواج دارد.

د) غطای: که مفرد آن (غطایه) است و به معنای سخن پنهان و سربسته می باشد؛ این اصطلاح در کویت رایج است.

هـ) فزوره: که ریشه ی آن (فزر) است و در لغت به معنی (دریدن و چاک دادن) است و گویا مخاطب به سبب دشواری لغز، گریبان خود را چاک می دهد. گاهی نیز به سبب آهنگین کردن کردن کلام و آوردن سجع به آن (حزر فزر) می گویند. این اصطلاح در مصر و عربستان رایج می باشد. (قدیح، ۱۳۷۱ش: ۲۷-۲۸)

و) مخبو و طلاعه: که به معنی اخفا و گمراهی و ایهام است و در تونس رایج است و واژه «الخبو» اصطلاحی رایج در نزد بدویان تونس است.

ز) تشنشین: این نام نزد تونسیان رایج است.

ح) الرباط: که با ترکیب مترادفات چند کلمه در لغز می توان به معنای مقصود پی برد. این اصطلاح در تونس و منطقه صعید مصر رواج دارد و در مجالس به خصوص مراسم ازدواج، مطرح می شود. (المرزوقی، ۱۹۶۷ م: ۴۲)

ط) غبایا: که به معنی لغزهای غیر مقفی و با ابیات کوتاه هستند و این اصطلاح در کشور عربستان رایج است؛ مانند این لغز در مورد (هاون):

خبرونی ای شیء اوسع ما فيه فمه

و اینه فی بطنه یرفسه و یرلکمه

(ابوسعید، ۲۰۱۰، als3id.com)

- مشتقات فن لغز

نویری در (نهایه الارب) می گوید: ((لغز نامهایی دارد؛ از جمله: معایاه، عویص، رمز، محاجاه، ابیات المعانی، ملاحن، مرموس، تاویل، کنایه، تعویض، اشاره، توجیه، معما و مثل؛ تمام این نام ها در معنا مشترکند و تفاوت آنها بر حسب وجوه اعتبارشان است. پس:

- اگر بینداری که فرد سوال کننده قصد عاجز کردن تو را از پاسخ دادن دارد آن را معایاه می نامی
- اگر آن را به دیده پنهان بودن از ادراک و حواست بنگری آن را معما می نامی
- اگر آن را از حیث مخفی بودن بررسی کنی آن را مرموس که برگرفته از رمس به معنی قبر است می نامی.
- اگر آن را از حیث اینکه به اصلش باید برگردد بررسی کنی آن را (تاویل) می نامی و این امر اغلب به آیات و اخبار که معنی آن نیاز به تفسیر دارد اختصاص دارد.
- اگر آن را از حیث دشواری در فهم و ادراک آن بررسی کنی آن را عویص می نامی.
- اگر آن را از جهت اینکه فردی می خواهد میزان عقل و فهم تو را آزمایش کند بررسی کنی آن را محاجاه می نامی.
- اگر آن را از حیث اینکه سوال دارای وجوه مشابهی است بررسی کنی آن را از (لغز) می نامی.
- زمانیکه باید دریابی که باید معانی بسیاری را استخراج کنی به آن (ابیات المعانی) می گویی.
- زمانیکه دریابی که لغز دارای وجوه و ابعاد متعددی است آن را (موجه) می نامی که فعل آن (توجیه) است.
- اگر بینداری که گوینده تو را دچار توهم کرده و مقصودش چیز دیگری است آن را (لحن) می نامی و گوینده آن (ملاحن) نامیده می شود. (نویری، ۱۹۳۰م: ۱۵۸/۳)

ملاحظه می شود، هنگامی که نویری این اسمها را با یکدیگر مقایسه می کند به معنی لغوی آنها نظر دارد و آنها را به جهت دلالت بر غموض و خفا دال بر یک معنی مشترک می داند؛ ولی حقیقت امر این است که برخی از این اسمها همچون کنایه، تعریض، توجیه، معما، مثل و ... در علم بلاغت فنی مستقل به شمار می روند و روش های مخصوص به خود را دارند و تنها در ویژگی غموض و پوشیدگی با لغزها مشترکند. با توجه به این نکته و نیز قدمت فن لغز نسبت به این فنون می توان چنین نتیجه گرفت که الغاز منشا پیدایش این فنون بوده اند؛ به عبارت دیگر این فنون به مرور زمان از فن الغاز مشتق شده اند. خیر الدین شمسی پاشا در مورد چگونگی مشتق شدن این فنون از فن لغزها می گوید:

((لغزها در زبان اعراب به نظم و نثر جاری بود تا اینکه به تدریج جزء فروع علم بیان گردید و برای آن اصول و قواعدی پایه ریزی شد؛ سپس در قرن ۵ هـ توجه ویژه ای به آن شد و این فن در سایر سرزمین ها گسترش یافت و به دیوانهای انشاء رسید و در محافل و مجالس نقل می شد. پس از مدتی شروع به تصحیف و قلب و حذف و ابدال در حروف آن کردند و در ابهام این فن کوشیدند و اقسام متعددی از آن را ابداع کردند و بر این فنون، نامهای جدیدی مانند توجیه، توریه، رمز، کنایه، تعریض و ... گذاشتند.)) (شمسی پاشا، ۱۴۱۷ ق : ۷۶۹)

در اینجا برای درک بهتر وجوه تمایز میان لغز و این فنون به شرح و توصیف آنها می پردازیم:

تعریض: به مفهوم سخن پنهان می باشد؛ در واقع تعریض کنایه ای مخفی است که میان دو نفر رد و بدل می شود. (شمیسا، ۱۳۷۱ ش: ۹۸). در روایات نقل شده که روزی عثمان دیر به نماز جمعه رسید و عمر در حال خواندن خطبه بود. در این حال عمر خطاب به عثمان گفت: (الان ساعت چند است؟) این جمله تعریض از ناپسند بودن کار عثمان است. (شمسی پاشا، ۱۴۱۷ ق : ۷۷۹)

تمثیل: بیان غیر مستقیمی است که اساس آن بر تشبیه بنا می شود، بدین ترتیب که فرد برای بیان ذهنیت خویش که معمولاً مفهومی عقلی و نامحسوس است عینیتی محسوس را بر می گزیند تا ذهنیت خود را به وسیله ی آن القا کند. (زرکوب، ۱۳۸۹: ۱۰۹) مثال آن از قرآن آیه ی ۲۷ سوره ی مائده می باشد: